



پاییز

که دست به سوی آسمان دراز کرده‌اند و هوایی لبریز ذوق کودکان که به سمت مدرسه روانند.

پاییز، درددل پروردگار است با ما وقتی غصه‌هایش را در نمایشی رنگارنگ، از چشم آسمان فرومی‌ریزد و غزل نارنجی خداوند است که زیر پایمان خش‌خش می‌کند.

عسل تاتلاری - ۱۵ ساله

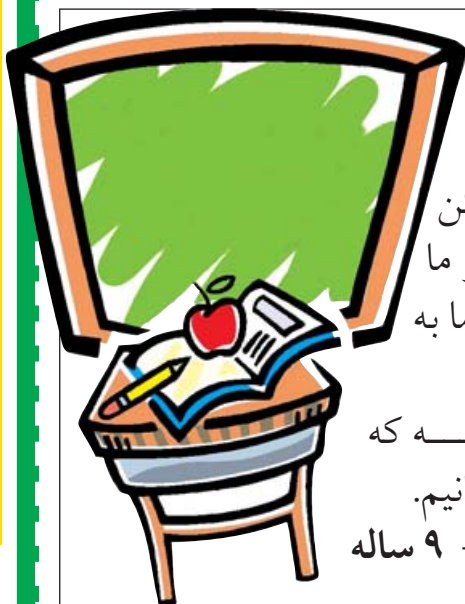
بار دیگر پاییز و بوی مطبوع باران و خاک. فصلی لبریز نمناکی آسمان و برگ‌های نارنجی رقصان و قدم‌های زوزو کنان باد و درختان زردپوش و قطرات مهربان باران که تن خسته زمین را التیام می‌بخشند.

سکوت زمین زیر گام‌های باد، ملودی روح نوازی می‌شود برای استقبال از نور چشمی فصل‌ها؛ فصلی پراز چترهای رنگارنگ

دارد کم کم می‌بارد

مهر از انار خندان
پر می‌شود درختان
آبان به و خربزه
پیدا شود فراوان
آذر کم کم می‌بارد
از ابر تیره باران

ویدا حیدرپور - ۱۷ ساله



زنده باد مدرسه

دوباره پاییز رسید و من می‌خواهم به مدرسه بروم. در حیاط مدرسه، همه مانتوها یک رنگ‌اند و راهروها شلوغ شلوغ. کلاس‌ها با نیمکت‌های قشنگ منتظر ما هستند تا با دوستان جدید آشنایمان کنند.

وسایل مدرسه، پاک‌کن و تراش و مداد منتظر ما هستند که هر روز با ما به مدرسه بیایند.

زنده باد پاییز و مدرسه که نمی‌گذارند ما بی‌سواد بمانیم.

دینا سهامی - ۹ ساله